

شخصیت‌های شیعه در صدر اسلام

بحث‌های آیه‌الله العظمی جعفر سبحانی

نگارش و پژوهش: استاد محقق مهدی پیشوائی

سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۳۰۸ -
شخصیت‌های شیعه در صدر اسلام / بحث‌های آیه‌الله العظمی جعفر سبحانی؛ نگارش و
تحقیق استاد مهدی پیشوایی. - [ویرایش ۲] قم: توحید قم، ۱۳۹۲.
ISBN: 978 _ 600 _ 93750 _ 1 _ 1 ۵۵۲ ص.

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص ۵۴۹ - ۵۵۲، همچنین به صورت زیرنویس.
این کتاب قبلاً با عنوان شخصیت‌های اسلامی شیعه به چاپ رسیده است.
۱. شیعه - سرگذشتنامه. ۲. اسلام - سرگذشتنامه. ۳. صحابه. الف. پیشوایی، مهدی، ۱۳۲۴ -
ب. عنوان.
ش ۳ س ۲ / ۲ BP۵۵
۲۹۷/۹۹۶ ۱۳۹۲

اسم کتاب: شخصیت‌های شیعه در صدر اسلام
بحث‌های: آیت الله العظمی جعفر سبحانی
نگارش: استاد محقق مهدی پیشوایی
چاپخانه: مؤسسه امام صادق (ع)
ناشر: توحید
تاریخ و نوبت چاپ: ۱۳۹۲ / اول
تعداد صفحات: ۵۵۲ صفحه
تعداد: ۱۰۰۰

مسلسل انتشارات: ۲ مسلسل چاپ اول: ۲

مرکز پخش

قم - میدان شهدا، انتشارات توحید

مؤسسه امام صادق (ع)

۰۹۱۲۱۵۱۹۲۷۱:۷۷۴۵۴۵۷ ☎

<http://www.imamsadiq.org>

<http://www.tohid.ir> www.shia.ir

فهرست

۲۱	پیش‌گفتار
۲۱۰	اصالت تشیع از نظر تاریخ
۲۳	نوشته‌هایی درباره یاران پیامبر
۲۴	دو نوشته قابل توجه درباره صحابه پیامبر
۲۷	هدف از نگارش این کتاب
۲۷	۱. معرفی صحیح یاران رسول خدا
۲۸	۲. دفاع از حقانیت شیعه
۳۱	حق‌کشی‌های روشن در تاریخ
۳۵	۳. اثبات اصالت شیعه
۳۷	شخصیت‌های اسلامی شیعه
۳۸	موارد استعمال لفظ شیعه
۴۱	۴. ابویوب انصاری
۴۱	دیدار پیامبر ﷺ با یثربیان
۴۳	پیمان تاریخی عقبه

۴۴	دومین پیمان عقبه
۴۵	میزبان پیامبر ﷺ
۴۷	ادب میزبانی
۴۹	بهترین وقت نماز
۵۰	همه جا در رکاب پیامبر
۵۰	منافق شکن!
۵۲	اخراج سردسته منافقان از مسجد
۵۴	در کنار علی ﷺ
۵۵	اعتراض به خرافات ابوبکر
۵۷	علی ﷺ رهبر است
۵۸	پاسخ دندان شکن
۶۰	مبارزه با توطئه گران
۶۲	پیش‌گویی پیامبر ﷺ
۶۴	حامی و پشتیبان وفادار ولایت
۶۵	سلام بر مولای مؤمنان
۶۷	فرمانده سواره‌ها در جنگ جمل
۶۷	حامل پرچم امان برای خوارج
۶۹	اعلام آمادگی جهت حمایت از ولایت
۶۹	حمله کوبنده
۷۱	مرد شمشیر و شعر و قلم
۷۲	فرمانده سپاه
۷۳	پاسخ نامه معاویه
۷۵	فرماندار مدینه

۷۶	گنجینه‌ای گران بها
۷۷	پنج خصلت ارزنده
۷۷	سخنی از گنج بهشت!
۷۸	توبه‌شکنی آدم بدخوی!
۷۸	حقوق شش‌گانه برادران دینی!
۷۹	پوشاندن عیب مؤمن
۸۰	تفاوت نماز و نمازگزار
۸۰	ادب دعا
۸۱	ابوایوب انصاری در شام
۸۲	چند نکته
۸۳	رسوایی معاویه
۸۴	ابوایوب انصاری در جنگ قسطنطنیه
۸۶	اشکال بی‌مورد
۸۷	وصیت تاریخی
۸۷	مزار پربرکت
۸۹	پاسخ به یک سؤال
۹۱	۲. ابان بن سعید
۹۲	دو برادر «ابان» مسلمان می‌شوند
۹۳	برخوردی هدف‌ساز
۹۵	استقبال پرشور
۹۵	نامه‌ای به ابان
۹۶	مرد شمشیر و قلم
۹۷	فرماندار بحرین

- ۹۸..... ابان خلافت ابوبکر را به رسمیت نمی‌شناسد!
- ۹۹..... در مسند قضاء
- ۱۰۱..... ۳. ابوذر غفاری
- ۱۰۱..... حادثه چه بود؟
- ۱۰۲..... در جست‌وجوی آیین حق
- ۱۰۵..... پیش‌تازی در ایمان
- ۱۰۶..... نخستین منادی اسلام
- ۱۰۸..... قبیله غفار مسلمان می‌شوند
- ۱۰۹..... دفاع از خانه از پیامبر ﷺ
- ۱۱۳..... راست‌گوتر از ابوذر نیست
- ۱۱۴..... زهد و وارستگی
- ۱۱۸..... شهادت و صراحت در گفتار
- ۱۱۹..... انتقاد سازنده نه انتقام ناجوانمردانه
- ۱۲۰..... آغاز مبارزه با فساد دستگاه خلافت
- ۱۲۱..... حکم بن‌ابی‌العاص کیست
- ۱۲۳..... مروان
- ۱۲۴..... بخشش‌های بی‌حساب عثمان از بیت‌المال
- ۱۲۸..... نمونه‌ای از عدالت علی علیه السلام در تقسیم اموال عمومی
- ۱۲۹..... ثروت‌های کلان
- ۱۳۱..... هشدار به زراندوزان
- ۱۳۳..... فتوای مصلحتی!
- ۱۳۳..... کعب‌الأخبار
- ۱۳۴..... تحریف حقایق

۱۳۶	تباعد به شام
۱۳۸	اوج مبارزه در شام
۱۴۱	ابوذر در راه مدینه
۱۴۲	پیش‌گویی پیامبر ﷺ از حکومت پلید اموی
۱۴۴	کیفر ثروت‌اندوزی از بیت‌المال
۱۴۵	آزمایش روحیه ابوذر
۱۴۶	تباعد به ربه
۱۴۸	بدرقه ابوذر از طرف بنی‌هاشم
۱۴۹	سخنان امیر مؤمنان
۱۵۰	سخنان عقیل
۱۵۰	سخنان حسن بن علی
۱۵۰	سخن حسین بن علی
۱۵۱	سخنان عمار
۱۵۲	عکس‌العمل عثمان
۱۵۴	مقایسه ظالمانه
۱۵۵	جنایت‌های تاریخ
۱۵۶	تهمت بخاری
۱۵۷	نقد بخاری
۱۵۸	تهمت بلاذری
۱۵۸	بررسی روایت بلاذری
۱۶۱	جنایت طبری
۱۶۳	بررسی سند روایت طبری
۱۶۵	بررسی متن روایت طبری

- ۱۶۷..... حق‌کشی ابن‌اثیر و ابن‌ابی‌الحدید.
- ۱۶۸..... حدود اختیارات حاکم اسلامی.
- ۱۶۹..... خودداری عثمان از اجرای کیفر خطاکاران.
- ۱۷۰..... عذر خلیفه.
- ۱۷۲..... غرض‌ورزی عمادالدین ابن‌کثیر.
- ۱۷۳..... بررسی سخنان ابن‌کثیر.
- ۱۷۴..... آیا ابوذر اشتراکی بود؟
- ۱۷۵..... اشتراک یا بذل مال در راه خدا.
- ۱۸۱..... چرا معاویه بیت‌المال را مال خدا می‌نامید؟
- ۱۸۲..... تنها می‌رود، تنها می‌میرد و تنها.
- ۱۸۳..... تحقق پیش‌گویی پیامبر ﷺ.
- ۱۸۷..... ۴. ابو رافع.
- ۱۸۸..... ابورافع و ماجرای خبر پیروزی مسلمانان در جنگ بدر.
- ۱۹۱..... پیش‌گویی پیامبر ﷺ در مورد روش مخالفان علی علیه السلام.
- ۱۹۳..... ابورافع و شهادت به حقانیت علی علیه السلام.
- ۱۹۶..... مرد شمشیر و قلم.
- ۱۹۷..... منع ضبط حدیث، چرا؟
- ۱۹۸..... عذر کودکانه.
- ۱۹۹..... انگیزه سیاسی بخشنامه.
- ۲۰۰..... چگونگی تدوین احادیث پیامبر.
- ۲۰۲..... پیش‌گامی شیعه در تدوین حدیث.
- ۲۰۳..... ۵. ابوسفیان بن حارث.
- ۲۰۸..... دیدار پیامبر ﷺ.

- ۲۰۶ راهنمایی علی علیه السلام
 ۲۰۸ نبرد حنین
 ۲۱۰ پایداری در راه خدا
 ۲۱۱ اشعار ابوسفیان
 ۲۱۵ ۶. ابوقَتاده حارث بن ربیع انصاری
 ۲۱۸ در قلب دژ استوار خیبر
 ۲۲۰ یار وفادار پیامبر
 ۲۲۱ در همه جبهه ها در کنار علی علیه السلام
 ۲۲۲ * عایشه چه گفت
 ۲۲۵ اعتراض به جنایت حال بن ولید
 ۲۲۶ داوری تاریخ درباره صدیق و صالح
 ۲۲۷ پوزش های کودکانه
 ۲۳۱ ۷. ابولیلای انصاری
 ۲۳۳ ۸. ابولیلای غفاری
 ۲۳۵ ۹. اُبَی بن کعب
 ۲۳۷ روایات جعلی
 ۲۴۰ مدافع حریم قرآن
 ۲۴۰ یک نمونه
 ۲۴۲ سیر علمی در قرآن مجید
 ۲۴۳ اُبَی و فهم قرآن
 ۲۴۴ * بینش اخلاقی او
 ۲۴۵ اُبَی بن کعب و حوادث سقیفه
 ۲۴۶ * استیضاح خلیفه

۱۰. اُسامة بن زید ۲۵۱
- گمشده عزیز ۲۵۱
- مهربان‌ترین پدرها ۲۵۳
- دوست پیامبر ۲۵۵
- شفاعت نه، قانون‌شکنی ۲۵۵
- یک اعتراف ۲۵۶
- فرمانده جوان ۲۵۷
- انگیزه‌های سیاسی ۲۶۱
- هدف عالی پیامبر ۲۶۳
- نامه اعتراض به خلیفه امیر مومنان ۲۶۴
- چرا اسامه در سپاه امیر مؤمنان شرکت نکرد؟ ۲۶۶
- اسامه و خاندان پیامبر ۲۷۰
- نمونه دیگر ۲۷۱
- باز هم سرزمین جُزْفا! ۲۷۱
۱۱. آنس بن حارث کاهلی ۲۷۳
- پیش‌گویی شهادت امام حسین (ع) ۲۷۴
۱۲. اَویس قرَنی ۲۷۷
- پیش‌گویی پیامبر (ص) ۲۷۸
- تبلیغات گمراه‌کننده حکومت معاویه ۲۸۰
- پیمان مرگ ۲۸۳
- شهادت اویس ۲۸۵
۱۳. بَراء بن عازب ۲۸۷
- در جبهه‌های جنگ ۲۸۸

- در رکاب علی علیه السلام ۲۸۸
- در جنگ صفین ۲۸۹
- دوستدار اهل بیت علیهم السلام ۲۹۰
- لغزش بزرگ ۲۹۳
۱۴. یَراء بن مالک انصاری ۲۹۵
- مرگ در بستر بیماری، هرگز! ۲۹۶
- داوری تاریخ ۲۹۷
- فتح شوشتر ۲۹۸
۱۵. بُرید اَسَلَمی ۳۰۱
۱۶. بُریده بن خُضَیب اَسَلَمی ۳۰۳
- آغاز آشنایی بریده‌ها ش حصص علی علیه السلام ۳۰۵
- یک حادثه دیگر ۳۰۹
- استيضاح خلیفه ۳۱۱
- مناظره مهیج ۳۱۳
- ترک مدینه ۳۱۶
۱۷. بلال بن رباح ۳۱۹
- بلال آزاد می شود ۳۲۱
- امیه به دست بلال کشته می شود ۳۲۲
- لعنت بلال به سران کفر ۳۲۲
- بلال، پیامبر صلی الله علیه و آله را به زبان حبشی مدح می کند ۳۲۳
- کمک به حضرت فاطمه علیها السلام ۳۲۳
- پیامبر صلی الله علیه و آله و تعلیم اذان به بلال ۳۲۴
- اذان بلال در فتح مکه ۳۲۵

- ۳۲۶..... بلال و دستگاه خلافت.
- ۳۲۹..... پس از رحلت پیامبر ﷺ بلال چندبار اذان گفته است.
- ۳۳۰..... و اینک بلال.
- ۳۳۳..... ۱۸. تَمَّام بن عباس بن عبدالمطلب.
- ۳۳۳..... فرماندار مدینه.
- ۳۳۵..... بهداشت دندان از نظر اسلام.
- ۳۳۷..... ۱۹. ثابت بن عُبَید انصاری.
- ۳۴۱..... ۲۰. ثابت بن قیس بن خَطِیم.
- ۳۴۳..... ۲۱. جابر بن عبد الله انصاری.
- ۳۴۶..... دانش سرشار جابر.
- ۳۴۷..... سفرهای طولانی برای یک حبیب.
- ۳۵۰..... جابر و شفاعت.
- ۳۵۲..... مناظره جابر درباره شفاعت.
- ۳۵۵..... یک تذکر لازم.
- ۳۵۶..... همبستگی با خاندان رسالت.
- ۳۶۰..... اولوا الامر چه کسانی هستند؟
- ۳۶۱..... بررسی روایات لوح اسامی ائمه علیهم السلام.
- ۳۶۲..... ردّ عطای معاویه.
- ۳۶۳..... حامل سلام پیامبر.
- ۳۶۴..... یک سؤال.
- ۳۶۵..... پاسخ.
- ۳۶۵..... تسلیم و رضا در برابر خواست خدا.
- ۳۶۸..... نخستین زائر امام حسین علیه السلام.

- ۳۷۴ افول ستاره درخشان
- ۳۷۵ ۲۲. جاریه بن قدامة سعدی (تمیمی)
- ۳۷۵ دعوت به یاری امیرمؤمنان
- ۳۷۷ در جبهه صفین
- ۳۷۹ عایشه به خانه‌ات برگردا
- ۳۸۰ یورش بسر بن اوطاة به حجاز و یمن
- ۳۸۰ شورش طرفداران عثمان در یمن
- ۳۸۱ نامه امیرمؤمنان علیه السلام
- ۳۸۴ مأموریت ساس جاریه
- ۳۸۵ اخذ بیعت برای اما حسن محبتی علیه السلام
- ۳۸۷ پیکار با ابن حضرمی
- ۳۸۹ پایداری در دوستی علی علیه السلام
- ۳۹۱ یک حدیث جالب
- ۳۹۳ ۲۳. جبلة بن عمرو انصاری (ساعدی)
- ۳۹۳ انتقاد از روش عثمان
- ۳۹۵ هرگز از رهبران گمراه پیروی نخواهم کرد
- ۳۹۷ ۲۴. جعدة بن هبيرة
- ۳۹۸ خاندان شجاع
- ۴۰۰ همه جا در کنار علی علیه السلام
- ۴۰۲ در جبهه صفین
- ۴۰۷ ۲۵. جهجاه بن سعید غفاری
- ۴۰۹ جنگ با بنی مضطلق
- ۴۱۰ مخالفت با عثمان

۲۶. حَجَّاج بن عَمْرُو بن غَزِيَه مازنی ۴۱۳
- نامه‌رسان شجاع ۴۱۴
۲۷. حُجْر بن عَدی کِنْدی ۴۱۷
- حجر نیکوکار ۴۱۹
- یار جانباز ۴۲۱
- اعلام وفاداری ۴۲۳
- مأموریت نظامی حساس ۴۲۴
- پیمان وفاداری ۴۲۶
- در شب نبرد سم ۴۲۸
- خستگی از جنگ ۴۲۹
- نقش حجر در بسیج نیروها ۴۳۱
- در کوفه ۴۳۲
- جنایت‌های مغیره ۴۳۳
- ترس مغیره از کشتن حجر ۴۳۶
- زیاد بن ابیه جنایت‌کار ۴۳۸
- تهدیدهای زیاد ۴۳۹
- مأموریت محمد بن اشعث ۴۴۳
- کشته شدن آری، بدگویی به علی نه! ۴۴۴
- شهادت‌های دروغین ۴۴۵
- اسیران دلیر ۴۴۷
- در مَرَج عَذْرَاء ۴۴۹
- آخرین شب ۴۵۱
- حماسه شهیدان ۴۵۳

- ۴۵۴ فرزند حجر و یارانش
- ۴۵۶ بازتاب شهادت حجر بن عدی
- ۴۵۸ اعتراض عایشه
- ۴۵۹ چهار جنایت بزرگ
- ۴۶۰ آرزوی مرگ
- ۴۶۱ توجیهات بی اساس
- ۴۶۲ چرا حجر بن عدی تقیه نکرد؟
- ۴۶۳ پاسخ
- ۴۶۶ اشتباه «ولها وزر»
- ۴۷۱ ۲۸. حُذِيفَةُ بْنِ الْيَمَانِ
- ۴۷۲ سابقه درخشان
- ۴۷۳ شهادت حسیل در جنگ احد
- ۴۷۴ مأموریت خطرناک و دشوار
- ۴۷۸ پرچمدار بزرگ
- ۴۸۰ رازدار و منافق شناس
- ۴۸۲ ادب و اخلاص حدیقه
- ۴۸۳ دوستدار و مدافع علی علیه السلام
- ۴۸۵ ۱. اگر ضربت آن روز علی نبود
- ۴۸۶ ۲. بهترین افراد بعد از پیامبر
- ۴۸۷ پاهایی که قطع شد
- ۴۸۹ ۳. علی علیه السلام رهبر راستین
- ۴۹۱ جوان شیعی ایرانی
- ۴۹۳ ۴. جانشینان پیامبر

- ۴۹۵ ۵. بهترین انسان‌ها
- ۴۹۶ هم‌زمان فشار دیده
- ۴۹۸ نامه ابوذر
- ۴۹۹ پاسخ حذیفه
- ۵۰۱ فرماندار زاهد
- ۵۰۲ دشمن نفاق و فتنه
- ۵۰۴ آینده خلافت
- ۵۰۵ این دل‌ها
- ۵۰۶ مبارزه با نفاق، فساد
- ۵۰۶ تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر
- ۵۰۷ درس‌های اخلاقی و دینی
- ۵۰۸ آفرین بر مرگ!
- ۵۱۱ ۲۹. خالد بن سعید
- ۵۱۲ آن‌جا که درخت حنظل، میوه شیرین می‌دهد
- ۵۱۵ پسران سعید
- ۵۱۵ یک رؤیای سرنوشت ساز
- ۵۱۹ هجرت به حبشه
- ۵۲۲ ازدواج پیامبر با «ام حبیبه»
- ۵۲۳ منشی پیامبر
- ۵۲۴ نقش خالد در اسلام آوردن قبیله ثقیف
- ۵۲۶ اقدام انقلابی
- ۵۲۷ مأموریت در یمن
- ۵۲۸ پاسداری از وحدت اسلامی

۵۲۹	در کنار علی علیه السلام
۵۳۰	اعتراض به خلافت ابوبکر
۵۳۴	خشم گردانندگان خلافت!
۵۳۷	ظاهر سازی
۵۳۸	یک تهمت بی اساس!
۵۴۰	شهادت سرخ
۵۴۰	در بامداد عروسی
۵۴۳	چند شخصیت دیگر
۵۴۳	- ابو فضالة انصاری
۵۴۴	- أسلم بن حارث بن عبدالمطلب
۵۴۴	- أسود بن عبس تمیمی
۵۴۴	- أسید بن ثعلبة انصاری
۵۴۵	- أس بن مدرک خثعمی
۵۴۵	- ثعلبة بن قیظی انصاری
۵۴۵	- جاریة بن زید
۵۴۵	- جُبیر بن حَبّاب بن مُنذر
۵۴۶	- جعفر بن ابی سفیان بن حرث
۵۴۶	- حارث بن زُهیر آزدی
۵۴۷	- حارث بن عمرو بن حرام
۵۴۷	- حارث بن نوفل بن حرث بن عبدالمطلب
۵۴۸	- حازم بن ابی حازم
۵۴۹	کتاب نامه

پیش‌گفتار

اصالت تشیع از نظر تاریخ

زندگی یاران پیامبر گرامی اسلام ﷺ، بزرگ‌ترین گنجینه علمی و اخلاقی و اجتماعی است که در اختیار مسلمانان قرار دارد. هنگامی که شجره رسالت بارور گردید و پیامبر به تبلیغ و پرورش افراد پرداخت، نخستین دست‌آورد و میوه این شجره مقدسه، ایمان گروهی از رجال با اخلاص و بارفا بود، که در طول تاریخ حیات پیامبر ﷺ و پس از وی، در گسترش و رسالت اسلام کویر بیند و جان و مال خود را فدای هدف مقدس حضرتش نمودند. قرآن درباره این گروه از پرورش‌یافتگان رجال صدر اسلام چنین می‌فرماید:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ﴾^۱

محمد فرستاده خداست کسانی که با او هستند، با کافران سخت و با یکدیگر مهربانند، آنان را در حال رکوع و سجود مشاهده می‌کنی آنان پیوسته رحمت و خشنودی خدا را می‌طلبند، در سیمای آنان آثار سجده نمایان است.

باز در آیه دیگر می‌فرماید:

﴿رَجُلٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ...﴾^۱

و آنان کسانی هستند بر پیمانی که با خدا بسته بودند صادقانه عمل کردند....

این گروه هر موقع دعوت پیامبر گرامی را می‌شنیدند، لبیک‌گویان به او پیوسته و چنین می‌گفتند:

﴿رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا﴾^۲

پروردگارا! ما ندای کسی را که ما را به ایمان به خدا دعوت می‌کرد شنیدیم و او را لبیک گفت و به وی ایمان آوردیم.

صحابه و یاران پیامبر، کسانی هستند که برای نخستین بار درخت ایمان در سرزمین قلوب آنان غرس کردند، و پس از زمان کوتاهی بارور شد، میوه‌های بس رنگارنگ و شیرین داد و در محیط زندگانی آنان، فضائل اخلاقی و سجایای انسانی رشد و نمود کرد تا این که گروهی از آنان منهر تقوا و پرهیزگاری، فداکاری و جانبازی صبر و بردباری، عاطفه و محبت، علو همت و بلندنظری و عشق به لقای الهی و شوق به آخرت، شجاعت و قهرمانی، زهد و پیراستگی از دلبستگی به دنیا و... گردیده و جهانی را با نور خود روشن ساختند.^۳

۱. احزاب، آیه ۲۳.

۲. آل عمران، آیه ۱۹۳.

۳. این مطلب نه به آن معناست که صفات برجسته انسانی در همه صحابه وجود داشته و زندگانی هر یک مملو از این صفات بوده است، زیرا در میان آنان به گواهی قرآن، منافق و دورو، و متمایل به جناح‌های شرک، ضعیف‌الایمان و ناتوان که به هر بادی از جای کنده می‌شدند و... فراوان بود، بنابراین هرگز نمی‌توان تنها صحابی بودن را، نشانه فضیلت و عدالت گرفت و گفتار و کردار او را محترم شمرد.

آیات یاد شده، یک حکم اقتضایی و این که تربیت یافته معلم بزرگی مانند پیامبر، باید چنین و چنان باشند، بیش نیست و طبعاً مراقبت شخصی مانند پیامبر در نفوس مستعد و سرزمین‌های شایسته ایجاب می‌کند که رجال بزرگی تربیت شوند، که دارای صفات بارز انسانی و سجایای عظیم اخلاقی گردند. ولی در عین حال هرگز نباید

نوشته‌هایی دربارهٔ یاران پیامبر

دربارهٔ یاران پیامبر گرامی، از طرف دانشمندان شیعه و سنی، کتاب‌های بس فراوانی نوشته شده و هر نویسنده‌ای به اندازهٔ اطلاعات و تتبع خود، حوادث و وقایعی را دربارهٔ آنان گردآورده، و به وقایع‌نگاری پرداخته است؛ مثلاً پس از ذکر نام و نشان و قبیلۀ یک صحابی، به برخی از احادیثی که از پیامبر ﷺ نقل کرده یا درباره او نقل شده و یا با حوادث و رویدادهایی که با آن روبه‌رو بوده است، اشاره شده، و بدون تجزیه و تحلیل و اخذ نتیجه و تشریح نقاط آموزنده از زندگی وی و با انتقاد از لغزش‌های او، پروندهٔ گفتار، پیرامون زندگی او بسته شده است و این نقیصه‌ای است که دامن‌گیر بسیاری از کتاب‌های رجال و تاریخی و سیره‌ها گردیده و بسیاری از کتاب‌ها با آن روبه‌رو می‌باشند.

در حقیقت بیشتر دانش‌مندان رجال ما وقایع‌نگارند نه وقایع‌نما، و آنچه را که از استادان و راویان احادیث و وقایع شنیده‌اند، بدون کم و زیاد با تحفظ و احتیاط کامل، و از هر نوع اظهار نظر خودداری نموده‌اند؛ تو گویی فکر امانت، در نقل و تحفظ بر حقیقت، آنان را از این تجزیه و تحلیل باز داشته است.

ولی آنچه می‌تواند برای تودهٔ مردم به ویژه نسل جوان مفید و سودمند واقع گردد، همان وقایع‌نمایی و تشریح علل و انگیزهٔ حوادث و یا آثار و واکنش‌های وقایع است،

→ از عوامل ویرانگر غرایز نفسانی، غفلت و ورزید، زیرا این عوامل به شدت آثار تربیت را خنثی نموده و انسان را به دوران جاهلی بازمی‌گردانند. چنان‌که همین غرایز، گروهی را از تکامل بازداشت، و عده‌ای را به عقب بازگردانید.

از این جهت نمی‌توان دربارهٔ همهٔ صحابهٔ پیامبر، یک نوع قضاوت و داوری نمود، بلکه حالات یک‌یک را باید نگریست و سپس قضاوت نهایی کرد.

مطالعه و بررسی زندگی همین افراد می‌تواند بزرگ‌ترین درس زندگانی به ما بدهد، و ایمان و اخلاص آنان و رفتار و کردارشان، استوارترین راهنمای ما گردد.

و این هدف در هیچ یک از کتاب‌های رجالی و تاریخی دیرینه ما، انجام نگرفته است. از این جهت نسل حاضر که تشنه خواندن وقایع و بیوگرافی شخصیت‌های اسلامی است و به راستی می‌خواهد از تحولات فکری و اجتماعی که به دست صحابه و یاران پیامبر گرامی انجام گرفته است و قرن‌ها اثر بخشیده، صادقانه آگاه گردد، گمشده خود را در این کتاب‌ها پیدا نمی‌کند، و دست‌آورد این نوع نوشته‌ها در نظر آنان جز نقل مطالب و عبور از خط حوادث، چیز دیگری نیست.

انسان‌های بزرگ، زندگی‌های بزرگ‌تر و در صفحات زندگی خویش سطور برجسته و نقاط درخشانی دارند که می‌تواند عالی‌ترین درس زندگی را به آیندگان بیاموزد، چرا نباید از یک چنین گنجینه ارزنده، بهره‌برداری نمود.

امروز زندگانی فلان نوازنده چار و موسیقی ایتالیایی و یا کارگردان سینمایی و هنرپیشه مجامع هنری، نمی‌تواند الگویی زندگی و نشان‌دهنده راه و رسم زندگی گردد.

آنچه می‌تواند نمایانگر اصول صحیح زندگی، روش‌نگر سنن واقعی اسلامی باشد، آشنایی به زندگانی آن گروه از شخصیت‌های پاک دین است که نخستین دست‌آورد مکتب تربیتی پیامبر شمرده شده و به مرکز وحی از همه نزدیک‌تر بودند.

دو نوشته قابل توجه درباره صحابه پیامبر

آری اخیراً این نقیصه در میان نوشته‌های عربی به گونه‌ای برطرف شده و تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد در این زمینه دو کتاب به شیوه خاصی نوشته شده و مع الوصف باز خالی از اشکال نیست این دو کتاب عبارتند از:

۱. رجال حول الرسول: نگارش «خالد محمد خالد» که از انتشارات «دارالکتاب

عربی» بیروت است.^۱ این کتاب که قبلاً در پنج جلد کوچک و اخیراً به صورت یک مجلد بزرگ منتشر شده است، زندگانی شصت تن از یاران پیامبر گرامی را به گونه دلپذیری، تجزیه و تحلیل کرده و از نظر اسلوب و شیوه نگارش بسیار جالب است.

ولی چون مبنای نویسنده، بر تقدیس و تعدیل همه یاران رسول خدا ﷺ می‌باشد، از این جهت در ضمن این شصت تن، پیرامون زندگی رجال ناپاکی در عهد رسول خدا مانند: سعد وقاص، عبدالرحمان عوف، ابوموسی اشعری، عمرو عاص، خالد بن ولید، عبدالله بن زبیر، اسید بن حضرم... آن چنان قلم‌فرسایی کرده و جامه قدس و پاکی بر آن‌ها پوشانیده است، تو گویی آنان نمونه‌های بارزی از صدق و صفا، عدالت و ایمان بودند.

خواننده بی‌اطلاع از این کتاب، دو فکر متناقض، برداشت می‌کند، زیرا وقتی نویسنده به تشریح زندگانی «عمار» می‌رسد، سنگ تمام می‌گذارد و او را یک مرد مجاهد و فداکار، که کانون وجود از ایمان بوده است قلمداد می‌کند، و شعر او را که متضمن تکفیر سپاه شام که در رأس آن معاویه و عمرو عاص قرار داشت نقل می‌نماید و می‌گوید:

عمار بشان آتش بر امویانی که دور معاویه گرد آمده بودند حمله می‌برد و می‌گفت:

لقد ضربناکم علی تنزیله والیوم نضربکم علی تأویلہ

او شعر عمار را چنین تشریح می‌کند و می‌گوید: مقصود عمار این است روزی با خاندان ابوسفیان که کفر و الحاد خود را آشکار ساخته بودند به صریح قرآن که فرمان به نبرد با کافر را می‌دهد، می‌جنگیدیم، ولی اکنون که همان افراد تغییر قیافه داده و

۱. برخی از اجزای این کتاب را آقای مهدی پیشوایی به فارسی ترجمه کرده و در دو جزء به نام نوری که به دنبال آن رفتند و در چاپ‌های بعدی به قهرمانان رهتین تغییر نام یافته است.

اسلام خود را آشکار ساخته‌اند، ولی کفر خود را پنهان داشتند جهت تأویل قرآن نبرد می‌کنیم، زیرا آنان به حکم تأویل قرآن، کافر و مشرکند.^۱

ولی همین نویسنده، وقتی به تشریح زندگی «عمر و عاص» - این سیاستمدار تبهکار و روباه صفت - می‌رسد، یعنی همان فردی که عمار او را به حکم تأویل قرآن، کافر می‌دانست، لباسی از فضیلت برای او می‌پوشاند.^۲ تو گویی او همان آتش افروز جنگ صفین که قربانیان آن به دویست هزار رسید، و یا آن پیمان شکن و خیانتگر حکمین نیست که به پیمان خود با ابوموسی، عمل نکرد، و در نتیجه، علی را از خلافت خلع و معاویه پلید را به جای آن نصب کرد.

ولی نویسنده برای جلوگیری از این نوع انتقادات، در آغاز بحث^۳ با جمله‌ای بس کوتاه به کارهای بد عمر و عاص اشاره می‌کند که به هیچ وجه نمی‌تواند این نوع تناقض را از ذهن خواننده پاک سازد.

اشکال دیگر در این کتاب این است که مطالب خود را مستند نقل نکرده و در این کتاب که مجموع صفحات آن به ۸۰۰ صفحه می‌رسد، حتی به یک مدرک هم اشاره نکرده است. در صورتی که امروز این روش مورد پسند محققان و پژوهشگران نیست، فقط در آغاز کتاب به طور کلی به چند مدرک اشاره کرده است.

۲. حیاة الصحابة: نگارش «محمد یوسف کاند هلوی» متوفای سال ۱۳۶۳ ه.ق با پیش‌گفتار «ابوالحسن ندوی» و تصحیح «محمد علی دوله» چاپ دمشق در چهار جلد.

نام این کتاب هر چند زندگانی صحابه است، ولی هرگز موضوع بحث آن زندگانی صحابه نیست، بلکه وی به ترتیب خاصی که ویژه کتاب‌های اخلاقی و تبلیغی است،

۱. رجال حول الرسول، ص ۲۷۶ - ۲۷۷.

۲. رک: همان، ص ۷۶۹ - ۷۷۸.

۳. رک: همان، ص ۷۶۸.

موضوعاتی را در نظر گرفته و در هر مورد موضوعی آنچه زندگانی یاران پیامبر به آن موضوع می‌تواند مربوط باشد، آورده است:

مثلاً در ابواب: بیعت بر اسلام، صبر و بردباری در راه خدا، هجرت به دار اسلام، جهاد در راه خدا و... آنچه می‌تواند از زندگانی مجموع صحابه پیامبر مربوط به هر یک از این ابواب باشد آورده است، و چه بسا به زندگانی یک صحابی، در چند باب استشهاد شده است.

این کتاب از این نظر که در هر موضوعی از موضوعات خود، شواهد زنده‌ای از زندگانی یاران پیامبر آورده است، برای یک نویسنده و یا گوینده که می‌خواهد در موضوع خاصی سخن بگوید و یا بنویسد بسیار سودمند است، علاوه بر این، به مدارک منقولات خود اشاره نموده و نام کتاب و شماره جلد و صفحه را نیز تعیین کرده است.

ولی با این مزایا، فاقد تزیین و تحلیل شایان توجه است که مورد علاقه جوانان امروز می‌باشد و اگر این کتاب، از تحلیل وقایع‌نمایی کتاب «خالد محمد خالد» برخوردار بود، می‌توانست کتاب بس ارزنده‌ای باشد.

هدف از نگارش این کتاب

۱. معرفی صحیح یاران رسول خدا

بیان پیشین، خواننده گرامی را به یکی از اهداف کتاب راهنمایی می‌کند، در این کتاب کوشش شده که زندگانی گروهی از یاران رسول خدا، که گرایش صمیمانه‌ای به نخستین پیشوای شیعه و حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام داشتند، به گونه‌ای دلپذیر تشریح گردد، و سیمای معصوم و پاک آنان که پیوسته با خلوص و پاکی، فداکاری و جانبازی، شهامت و زهد و پیراستگی، خدمت و احساس مسئولیت، همراه بوده است ترسیم شود و از این طریق، غذایی سالم و گوارا برای نویسندگان و گویندگان و

بالاخص نسل جوان که تشنه تاریخ اسلام و تشریح وقایع و رویدادهای اسلامی می‌باشند، تهیه و آماده گردد.

با توجه به نقایصی که در کتاب‌های یاد شده بود، کوشش شده است که حتی‌الامکان مطالب کتاب به‌طور مستند از منابع اصیل و دست اول اسلامی نقل گردد و حوادث به گونه‌ای که متناسب با روح نویسندگی روز است تجزیه و تحلیل گردد. و تا به صحت و استواری مطلبی اطمینان نباشد، از نقل آن خودداری شود.

چهره‌هایی که در این کتاب از یاران رسول خدا و نخستین تربیت‌یافتگان مکتب او ترسیم شده است، با آنچه که از آن‌ها در اذهان نوع مردم، موجود است، کاملاً مغایرت دارد، و همه آنان با برپایی بیانی که در این کتاب درباره آنان انجام گرفته است تولد جدیدی پیدا کرده، و تصویر ما را از این افراد به گونه دیگری می‌گردد، و یا هرگز با آنچه که در برخی از کتاب‌ها درباره آنان دیدیم، تطبیق نمی‌نماید، و خدا را در برابر این نعمت بزرگ سپاس گزاریم.

۲. دفاع از حقانیت شیعه

تاریخ تشیع پیوسته با مظلومیت و حق‌کشی آغاز شده، و پیوسته در طول تاریخ خود، با ستم نیز همراه بوده است و در طول تاریخ بشریت، هیچ مذهب و آیینی دچار این همه رنج و بلا، محنت و دربه‌دوری نشده است. کار حق‌کشی به جایی کشیده است که نه تنها مخالفان این مذهب، در نقل عقاید و اصول آن، دچار مسامحه و سهل‌انگاری شده و احیاناً دست به تحریف زده‌اند و مطالبی را که روح شیعه و مکتب تشیع از آن بیزار است، به آن بسته‌اند، بلکه در نحوه شکل‌گیری و پیدایش این مذهب نیز دچار آشفته‌گویی شده و اکاذیبی را جعل کرده‌اند.

البته نمی‌توان همه دانشمندان اهل تسنن را به یک چوب راند و همه را شریک

جرم اعلام نمود، زیرا در میان آنان محدثان و مورخان و محققان بافضیلتی وجود دارند که از تظاهر به حقیقت‌آبایی ندارند.

آیا شخصیتی با شهادت‌تر از عالم فقید مصر، رئیس اسبق دانشگاه بزرگ الازهر شیخ محمود شلتوت پیدا می‌شود که در برابر این همه مخالفان شیعه، در مصر و خارج آن، صریحاً به حقانیت فقه جعفری اعتراف نموده و پیروی از آن را بسان پیروی از مذاهب چهارگانه فقهی، صحیح و مجزی اعلام کند.^۱

ولی با این همه در میان دانشمندان اهل تسنن یک نوع بدبینی خاصی به مذهب شیعه و تاریخ‌پیدایش آن وجود دارد که مایه تأسف و تأثر شدید هر فرد بی‌نظر می‌گردد.

درباره تاریخ تشیع اجمال سخن این‌که: تشیع لباسی است که بر اندام اسلام پوشانیده شده است و تشیع بر اسلام چیز دیگری نیست، و شیعه در عصر پیامبر گرامی و پس از درگذشت او، همان گروهی از مهاجر و انصار است که در دوران رسالت و پس از رحلت حضرتش، خاندان پیامبر را که در رأس آنان علی (ع) قرار داشت برای زعامت و خلافت، و مرجعیت عامه، و آشاسازن مردم به حلال و حرام، به فرائض و محرمات و دیگر امور فردی و اجتماعی، لایق‌تر و شایسته‌تر و به تعبیر صحیح‌تر، متعین می‌دانستند، و به کسانی که در طی چهارده قرن اسلامی از این مکتب پیروی کرده و از این دید به اسلام نگریسته‌اند، «شیعه» می‌گویند.

تشیع همان اسلام است که از خصوصیات بارز آن خلافت و زمامداری و مرجعیت گسترده امیرمؤمنان و دیگر فرزندان اوست، و سرسوزنی با اسلام تفاوتی ندارد. فقط تشیع، رمز آن اسلامی است که یکی از ارکان آن، خلافت اهل بیت می‌باشد. بنابراین هرگز نباید برای تشیع، تاریخ جداگانه‌ای اندیشید و برای پیدایش آن،

۱. متن فتوای ایشان در مجله رسالة الاسلام ارگان جمعیت دارالقریب اسلامی شماره سوم سال یازدهم چاپ شده است.

فصل جداگانه‌ای باز نمود و تکوین آن را در محیطی جز اسلام، و شیعه را در محیطی غیر از آن مسلمانان جست‌وجو کرد.

شیعه همان گروهی از یاران رسول خدا بودند که در حال حیات پیامبر، اصول و فروع را از قرآن و سنت فراگرفته و پس از درگذشت او، بزرگ‌ترین مرجع بر این امور را، امیرمؤمنان و دیگر جانشینان او می‌دانستند.

شیعه در این راه و روش از گفتار پیامبر گرامی، در حادثه «یوم‌الدار» و غزوه «تبوک» و واقعه «غدیرخم» پیروی می‌کنند، زیرا پیامبر در این سه واقعه که مشروح آن در صفحات تاریخ اسلام منعکس است، علی را وزیر و خلیفه و جانشین خود، و مرجع و زعیم مسلمین و ولی آنان خوانده است، از این جهت به اجتهادهای غیر صحیح و اندیشه‌های بی‌پایه اکثریتی که آراء و افکار و سلیقه شخصی خود را، بر نص آسمانی مقدم داشته‌اند، احراعی نمی‌گذارد.

پیامبرگرامی در سال سوم، مأمور شد که رسالت خود را آشکار سازد و دعوت علنی خود را از بستگان خود آغاز کند، و از این جهت در مجمعی از بنی هاشم، پس از یک رشته گفت‌وگوها فرمود:

ان هذا اخی و وصیی و خلیفتی فیکم فاسمعوا و اطیعوا له؛

علی برادر و وصی و جانشین من در میان شماست اطاعت او را گردن نهید.

این حادثه در اصطلاح محدثان به واقعه «یوم‌الدار» معروف است.

پیامبر لحظه سفر به تبوک رو به علی کرد و فرمود:

اما ترضی ان تکون منی بمنزلة هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی؛^۱

آیا خشنود نمی‌شود که نسبت به من، مانند هارون به موسی باشی، جز این که پس از من پیامبری نیست.

داستان غدیر ختم هم آن چنان روشن است که نیازی به نقل آن نیست. این احادیث و مانند آن‌ها سبب شد که راه و روش گروهی از مهاجر و انصار با راه و روش گروه دیگر که به این نصوص اعتنا نکردند تفاوت پیدا کند و حساب خود را از آن گروه جدا سازند.

این بیان کاملاً روشن می‌سازد که شکل‌گیری و پیدایش شیعه، همان پیدایش اسلام است و بس، زیرا اسلام یک ایدئولوژی کامل و یک مکتب فکری و عقیدتی است که پیامبر گرامی به تدریج آن را، از عالم وحی گرفته و در ظرف ۲۳ سال به مردم آموخته است و پیرو واقعی کسی است که همه دستورهای اسلام را بدون تبعیض بپذیرد و آن را قطعه قطعه نکند.

شیعه معتقد است که وصایت و زعامت خاندان پیامبر از ارکان تعالیم آسمانی اسلام است که در این مدت، رای مردم بیان شده است، و شیعه، یگانه گروهی است که از روز نخست، به این تعالیم چنگ زده و میان آن‌ها تبعیض قائل نشده است، در حالی که اهل تسنن از میان تعالیم اسلام، این قسمت را استثنا کرده، و آن را به نحوی طرد و یا تأویل کرده‌اند.

حق‌کشی‌های روشن در تاریخ شیعه و تحدید تاریخ شیعه، دچار آشفته‌گویی شده با نظرهای بی‌اساس و اندیشه‌های باطل، به تفسیر ریشه شیعه و زیربنای تشیع پرداخته‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف) تشیع مولود افکار ابن‌سبای یهودی است^۱: نویسندگان مغرض سنی پایه‌گذار این تهمت‌اند، ولی از این تهمت خاورشناسان مغرض و یهودیان، زرتشتی‌ها و وهابی‌ها

۱. تفصیل داستان ابن‌سبا و تهمت‌های دشمنان شیعه را در توضیحات کتاب شیعه تألیف استاد علامه آقای طباطبائی بخوانید.

و افراد اخلاک‌گرو ماجراجو، بیش از همه استفاده کردند، و سیاست‌های استعماری نیز به این طرز تفکر دامن زده است.

می‌گویند: مردی یهودی که از پیروزی مسلمانان بر ضد ادیان دیگر، سخت ناراحت شده بود، تصمیم گرفت، به ظاهر اسلام بیاورد تا با آفریدن فرقه‌ای به نام «سبائیه» که لباسی بر اندام یهودی‌گری بوده، بر ضد آن قیام کند این مرد به نام «عبدالله بن وهب بن سبا» معروف به «ابن السوداء» است و برای همین منظور اصول تشیع را پایه‌گذاری نمود.

این مرد، اصول یهودی‌گری و مسیحیت را با عقاید اسلام مخلوط نمود و آیینی نو که در آن وصایای بلافصل علی و رجعت محمد و زنده بودن امام در میان ابرها، که برق تازیانه اوست، او بود که انقلاب عثمان را رهبری می‌کرد و صحابی بزرگ ابوذر را بر ضد عثمان برانگیخت.

نسبت تشیع و اصول عقاید شیعه به ابن سبا از جنایت‌های بزرگ تاریخ است که گروهی از نویسندگان مغرض، بدون تحقیق این سخن را گفته و در حقیقت ده قرن است که این جنایت در کتاب‌ها و نوشته‌ها، جابه‌جایی کرده و در حالی که اگر کسی به کتاب‌های شیعه و اصول و عقاید آنان مراجعه کند خواهد دید که شیعه نخستین فرقه‌ای است که از این دسیسه یهودی (اگر چنین دسیسه‌بازی وجود خارجی داشته باشد) دوری جسته است تا چه رسد که امروز محققان اسلامی، عبدالله بن سبا را یک شخصیت افسانه‌ای که دشمنان شیعه، آن را ساخته و پرداخته می‌دانند. نخستین کسی که این مطالب را به صورت مستدل، ترسیم نمود دانشمند بزرگ مصری دکتر طه حسین در کتاب الفتة الکبری می‌باشد.^۱ وی پس از اقامه دلایلی می‌گوید:

۱. الفتة الکبری، ج ۱.

«ابن السوداء یک شخصیت موهوم بوده و شخصیتی است که دشمنان شیعه او را برای شیعه ذخیره نموده‌اند.»

پس از وی استاد دانشگاه بغداد در کتاب خود وعاظ السلاطین دومین شخصی است که این نظر را تأیید کرده است و می‌گوید:

«کسانی که می‌خواهند انقلاب و شورش مردم مصر و مدینه را علیه عثمان، معلول تحریکات عبدالله بن سبا بدانند، تصور می‌کنند که محیط اسلام، در آن وقت راضی و آرام و مطمئن می‌زیسته است و هیچ موضوعی نبوده که مایه ناراضی و اضطراب و عدم رضایت شود.»

ولی مقدم بر این دوازده حیث تحقیق و ارزیابی دقیق تاریخ، دانشمند معظم علامه عسکری متفق عالی قدر تاریخ و حدیث شناس خبر می‌باشد. ایشان با بررسی کامل تاریخ، شخصیت دروغین عبدالله بن سبا را به اثبات رسانیده و در طی بحث‌هایی که در تاریخ و حدیث دارند محقق نموده‌اند که این شخصیت دروغین به دست «سیف بن عمرو» دروغ‌پرداز و بنال بزرگ قرون اولیه تاریخ اسلام صورت گرفته است.^۱

ابن سبا که می‌گویند محرک شورش بوده، همان طور که دکتر طه حسین می‌گوید یک شخصیت موهوم بود و چنین می‌نماید که این شخصیت، عجیب را عمداً ساخته‌اند و مخلوق همان ثروتمندانی است که شورش بر ضد آنان بود و این تهمت از عادت‌های طبقات اشرافی و تن‌آساست و در تمام مراحل تاریخی نسبت به انقلابیون این روش را داشته است.

کوشش‌های پی‌گیر دانشمندان در این نقطه، متوقف نگردید، بلکه معلوم گردید که

۱. حضرت آقای عسکری کتاب‌هایی تحت عنوان ارزیابی حدیث و تاریخ دارند که تا به حال شش جلد از آن از طبع خارج گشته است، البته همه کتاب‌ها به زبان عربی است که بعضی به فارسی ترجمه و چاپ گشته و بقیه در دست ترجمه و چاپ می‌باشد.

سازنده چنین شخصیت افسانه‌ای، «سیف بن عمر» تمیمی کوفی بود که در سال ۱۷۰ هـ. درگذشته است.^۱

طبری نخستین کسی است که داستان ابن سبا را در تاریخ وارد ساخته است، وی این داستان را منحصراً از طریق سیف بن عمر در حوادث ۳۶-۴۰ نقل نموده است. وقتی به کتاب‌های رجال مراجعه می‌کنیم می‌بینیم که همگی او را مردی ضعیف که به قول و نوشته‌هایش نمی‌توان اطمینان کرد، معرفی می‌کنند.^۲

خواه عبدالله بن سبا وجود خارجی داشته باشد، یا یک شخصیت افسانه‌ای باشد نسبت تشیع و شیعه به ابن مرد، عظیم‌ترین جنایتی است که در تاریخ یک ملت رخ داده است.

شیعه‌ای که از روز نخست از رسول خدا و پس از آن، پیروان بی‌شمار و پیشوایان پاک‌دل و نویسندگان محقق داشته و پارساوار بسیاری از علوم اسلامی و حکومت‌های بزرگ بوده است، نمی‌تواند آفریده شده یک مرد یهودی باشد که تنها نام او، در حوادث سال‌های ۳۶-۴۰ یعنی سال‌های انقلاب و سورش بر ضد عثمان دیده می‌شود، و دیگر از این فرد در جنگ‌های صفین و نهروان و حوادث بعدی نام و نشانی نیست.

تهمت‌های ناجوانمردانه به شیعه در این جا خاتمه نیافته است، نویسندگان مغرض در عصر اخیر، نغمه‌های دیگری را ساز کرده توگویی از تهمت پیش نتوانستند نتیجه بگیرند به فکر تراشیدن علل و افسانه‌هایی برای پیدایش شیعه افتاده‌اند که به طور فشرده به آن‌ها اشاره می‌شود:

(ب) انتقام‌جویی ایرانیان از اعراب تشیع را پدید آورد: این تهمت را نویسندگانی از قبیل

۱. نقش وعظ در اسلام، ص ۱۱۵.

۲. الاستیعاب، ص ۲۵۲ و الاصابه، ج ۳، ص ۲۳.

«گوبینو» مسیحی و امیر شبکیب ارسلان و دکتر روخیم یهودی استاد دانشگاه تهران و برخی از ملیت‌خواهان بزرگ تشیع زده‌اند.^۱

ج) تشیع پدیده‌ای است که پیوند خویشاوندی حضرت حسین با ایرانیان، آن را پدید آورده است: نویسندگان غربی پیش از همه بزرگ این تهمت دامن زده و از آن بهره‌برداری کرده‌اند.

د) تشیع مولود حکومت آل‌بویه؛

ه) تشیع مولود سیاست صفویه؛

و....

علما و دانشمندان شیعه در هر عصر و زمانی، در هر نقطه و مکانی در برابر این نوع حق‌کشی‌ها سکوت کرده و در سنگر علمی از اصالت شیعه و مکتب تشیع دفاع کرده‌اند، خصوصاً در عصر حاضر شخصیت‌های بزرگی مانند مرحوم سید محسن عاملی، شرف‌الدین عاملی، کاشف‌الغطا، نیز بزرگانی مانند مرحوم امینی و عبدالله سیبیتی و محمدجواد مغنیه به‌طور سرسختانه از اصول تشیع دفاع کرده و پاسخ این نوع تهمت‌های ناجوانمردانه را داده‌اند و هنوز گروهی دیگر در مراکز علمی شیعه در سنگر دفاع قرار دارند، و بسیاری از کتاب‌ها و نوشته‌های دیروز و امروز اهل تسنن و یا خاورشناسان مغرض را به وضع خاصی به محاکمه می‌کشند و غرض ورزی آنان را آشکار می‌سازند.

۳. اثبات اصالت شیعه

انگیزه دیگر ما از تألیف این کتاب اثبات اصالت شیعه و مکتب فکری تشیع و برانداختن این نوع تهمت‌های ناروا از محیط مذهب شیعه است.

۱. رک: شهسوار اسلام، ص ۸۹؛ حضر العالم الاسلامی، ترجمه سیداحمد مذهب، ج ۱، ص ۲۳۱ و تحولات فکری در ایران، ص ۷۱ (به نقل از کتاب شیعه تألیف استاد علامه آقای طباطبائی).

ما فکر کردیم که پاسخ دندان‌شکن به این تهمت‌ها، این است که نام و خصوصیات شخصیت‌های بزرگی را که در عصر رسول خدا ﷺ می‌زیستند و از صحابه و یاران او به شمار می‌رفتند و مرجعیت و زعامت امیرمؤمنان، بزرگ‌ترین شعار زندگی آنان بود در این کتاب مطرح کرده و موجودیت شیعه را در عصر خود رسول خدا ﷺ ثابت کنیم. در این موقع دیگر برای این نوع تهمت‌ها مجالی باقی نخواهد ماند، و تشیع نهالی خواهد بود که همراه با نهال اسلام غرس شده، بلکه نهال واحدی خواهد بود، که ساقه و شاخه و برگ فراوانی پیدا کرده است.

هیچ جوابی متن‌تر و روشن‌تر و کوبنده‌تر از این نیست که شیعه موجودیت و شخصیت خارجی خود را در عصر رسول خدا ثابت نماید و مدلل سازد که رسول خدا نخستین کسی است که بذر تشیع را افشاند و یا نهال آن را آبیاری کرده است.

مرحوم آیه‌الله کاشف الغطاء در کتاب اصل الشیعه و اصولها از جمله کسانی است که به گونه‌ای به این پاسخ در ضمن چند سطر اشاره کرده و نام گروهی از یاران رسول خدا را که شیعه بوده‌اند، برده است.

پیش از ایشان مرحوم سیدعلی خان مدنی مؤلف الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعة الامامية دست به نگارش چنین کتابی زده است و زندگانی برخی از یاران شیعه رسول خدا را در این کتاب آورده، ولی متأسفانه این مرد موفق به اتمام کتاب نشده است.

نگارنده از سال ۱۳۶۴ ه.ق از طریق خواندن کتاب اصل الشیعه و کتاب‌های احمدامین مصری مخصوصاً فجرالاسلام و دیگر کتاب‌های مصریان به این‌گونه تهمت‌های ناجوانمردانه واقف شده و پیوسته درصدد بود که پاسخی به آن‌ها بدهد و اصالت تشیع و یگانگی آن را با اسلام به صورت محسوس و ملموسی درآورد.

شخصیت‌های اسلامی شیعه

این نکته پیوسته گوشه‌ای از ذهن او را اشغال کرده بود، ولی انگیزه‌های جدی برای انجام آن در کار نبود تا این که در سال ۱۳۸۵ هـ دارالتبلیغ اسلامی قم، رسماً افتتاح گردید، و قرار شد که رشته‌هایی از علوم اسلامی که برخی از آن‌ها در حوزه‌های رسمی شیعه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، در آن‌جا رسماً تدریس شود.

تدریس رجال و آشنایی با شخصیت‌های بزرگ شیعه با تدریس رشته عقاید اسلامی و تفسیر بر عهده این جانب گذارده شد. همین کار فرصتی به دست داد که به فکر دیرینه خود جامه وجود ببوشاند، از میان رجال بزرگ اسلام به تشریح آن گروه پردازیم که صحابه پیامبر گرامی بوده و از شیعیان امیر مؤمنان به شمار می‌رفتند.

نگارنده با سوابقی که درباره شناسایی رجال بزرگ اسلام اعم از سنی و شیعه صحابی و غیره داشت^۱ و پس از مراجعه به کتاب‌هایی مانند الاستیعاب، اسدالغابة، الاصابة، تاریخ بغداد، حلیه الاولیاء رجال کش، فهرست نجاشی، رجال شیخ طوسی، فهرست شیخ طوسی، معالم العلماء، فهرست منتخب الدین، تنقیح المقال، قاموس الرجال و... فهرست قسمتی از اسامی صحابه شیعه را استخراج نموده و به بیوگرافی آنان پرداخت و از مراجعه به هر کتابی که احتمال می‌داد در آن‌جا راجع به شخصیت مورد بحث سخنی و نکته‌ای باشد دریغ نکرد.

پس از تدریس شرح حال گروهی از شخصیت‌ها، روزی کتاب فصول المهمة مرحوم شرف‌الدین عاملی را مطالعه می‌کرد، ناگهان چشمش به فهرستی افتاد که در

۱. نخستین کسی که نگارنده را با علم رجال و تراجم آشنا ساخت و او را به کتاب‌های مختلف رجال و تراجم راهنمایی نمود، استاد فقیه علم و ادب مرحوم محمدعلی مدرس مؤلف ریحانة الادب بود. مدت‌ها که نگارنده خوش چین خرمن استاد بزرگ، در رشته‌های ادبیات و منطق و فقه بود، در طی فراگرفتن این علوم، به رشته رجال و تراجم آشنایی یافت، و زیر دست آن مرد بزرگ پرورش پیدا کرد (رحمة الله علیه).

آن‌جا نام بیشتر یاران رسول خدا را که افتخار پیروی از امام علی علیه السلام را داشتند فهرست کرده بود، تنظیم این اسامی نتیجهٔ تتبعات فاضلانهٔ مرحوم علامهٔ فقید شرف‌الدین است که اظهار علاقه کرده به خواست خدا در شرح حال این گروه، کتاب مستقلی بنگارد و نیز افزوده است که ممکن است برخی از اهل علم و دانش در این میدان، گوی سبقت از من برباید و در این باره چیزی بنویسد، در این موقع من به آن شخص از جهت گردآوری اسامی، خدمت شایسته‌ای کرده‌ام.^۱

موارد استعمال لفظ شیعه

واژهٔ شیعه در کتاب‌های تاریخ و رجال و حدیث در موارد مختلفی به کار رفته است، مقصود ما از نظر شیعه در این کتاب گروهی است که به جانشینی بلافصل امام علی علیه السلام اعتراف کرده و از وی پیروی نموده است.

ولی گاهی این لفظ دربارهٔ گروهی نیز به کار می‌رود که در فتنه و شورش عثمان و معاویه به علی پیوسته و از امام طرفداری نمودند؛^۲ مقابل شیعهٔ عثمان و معاویه که به طرفداری از او برخاستند.

و گاهی نیز دربارهٔ افرادی به کار می‌رود که از صمیم دل به خاندان عترت و طهارت مهر می‌ورزیدند، هر چند به جانشینی بلافصل امام معتقد نبوده‌اند، این گروه در برابر خوارج و نواصب قرار دارند که عداوت امام را به دل گرفته و پیوسته از او بدگویی می‌کنند. از این جهت هرگز نمی‌توان در تاریخ به لفظ شیعه و یا تشیع که دربارهٔ گروهی از یاران رسول خدا به کار رفته است اعتماد نمود، و آنان را در عداد شیعیان واقعی امام شمرد، هرگز حضور صحابی را در جنگ‌های جمل و صفین نمی‌توان نشانهٔ تشیع او به معنای اخص دانست. مرحوم شرف‌الدین در استخراج اسامی

۱. القصول المهمة، (چاپ پنجم)، ص ۱۷۹.

صحابه شیعه دچار این اشتباه شده و گروهی را که دلیل به تشیع آنان نداریم جزء شیعیان واقعی امام آورده است و حضور صحابی را در جنگ‌های جمل و صفین در رکاب امام، و یا به کار رفتن لفظ «تشیع» را در حق او نشانه تشیع اصطلاحی او گرفته است.

نگارنده مدت پنج سال با تلاش‌های پی‌گیر، این رشته را در دوره‌های اول و دوم تدریس نموده و به تدریج در جزوه‌هایی در اختیار دانشجویان قرار می‌داد. گروهی از علاقه‌مندان اصرار می‌ورزیدند که این نوشته‌ها جامعه طبع به خود بباشد و به صورت کتاب در اختیار جامعه اسلامی قرار گیرد.

از طرف دیگر احساس می‌کردم که چاپ این جزوه‌ها نیاز به مراجعه مجدد، و شرح و بسط بیشتر و تجزیه و تحلیل گسترده‌تری دارد، و این کار با اشتغالات و گرفتاری‌های دیگر علمی ام سال‌ها کار نیست.

سپس به فکر رسید که این نوشته‌ها را به اختیار دوست دیرینه و بافضیلت خود یعنی دانشمند معظم جناب آقای مهدی پیشوائی که از فضیلتی حوزه علمیه و از نویسندگان مجله مکتب اسلام است قرار دهم و از ایشان خواش کنم که نقایص آن‌ها را برطرف کرده و به تکمیل آن‌ها پردازد. معظم‌له به سبب اظاف دیرینه‌ای که به بنده دارد زحمت تحقیق و تنظیم و نگارش کتاب را پذیرفت و با پشتکار و دقت شایان تقدیر، به کتاب جامعه نوری پوشانید. از ایشان به سبب تلاش علمی شایسته‌شان سپاس گزارم.

از خوانندگان درخواست می‌شود که اگر اشتباه و لغزشی به نظرشان رسید، ما را از آن آگاه سازند.

جعفر سبحانی

قم - حوزه علمیه

۱۵ رمضان ۱۳۹۵، ۳۰ شهریور ۱۳۵۴